



انترناسیونال ۴۷۲

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش
بازگرداندن



www.m-hekmat.com منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

جمعه ۷ مهر ۱۳۹۱، ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۲ - ۱۲ صفحه

رئیس جمهور اسلامی که این بار نقش موش مرده را بازی کرد!

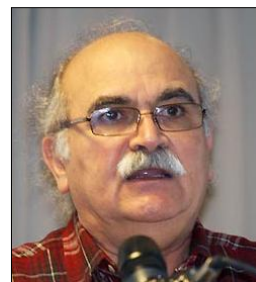
نژاد برای هشتمین و آخرین بار جهان را از برکت سخنان گهربارش مستفیض کرد اما با يك تفاوت. سخنان احمدی نژاد در مجمع عمومی، اظهاراتش در مطبوعات فراهم کرد و ... آری باز هم احمدی

محسن ابراهیمی

در حاشیه سخنرانی احمدی نژاد در سازمان ملل باز هم آن لحظه "تاریخی" فرا رسید. باز هم يك دلگس سیاسی - این بار

ادامه صفحه ۶

جنبش اشغال پس از یکسال



حمید تقوایی

هزار نفره بخیابانها ریختند، مراکز تجاری و اقتصادی را اشغال کردند و اعتراض خود را به نابرابری های اقتصادی و اجتماعی با شعار ما نود و نه درصد هستیم فریاد زدند. امروز آن انفجار اولیه فروکش کرده است اما جهت و چشم اندازی که این جنبش ترسیم میکند کماکان از پتانسیل بالائی برای شکل دادن به يك اعتراض عمیق و رادیکال به سرمایه داری برخوردار است.

اولین سالگرد جنبشی که با اشغال وال استریت آغاز شد و با شعار "ما نود و نه درصد هستیم" بسیاری از شهرهای دنیای صنعتی را درنوردید، نشاندهنده نقاط ضعف و در عین حال نقاط قوت این جنبش بود. اولین مشاهده اینست که راهپیمایی ها و تظاهرات هائی که هفته گذشته در سالگرد این جنبش برپا شد رونق و وسعت ماههای آغاز این جنبش را نداشت. جنبش اشغال در سپتامبر سال گذشته با قدرت و وسعت بیسابقه ای بطور ناگهانی سر بلند کرد و به سرعت توجه رسانه ها، دولتها و همه مردم جهان را بخود جلب کرد. در نیویورک، مادرید، لندن، توکیو، رم، تل آویو، تورنتو و ده ها شهر دیگر اروپائی و آمریکائی (بنابه آمار منتشرشده مجموعا در بیش از ۹۵ شهر در ۸۲ کشور) مردم در ابعاد ده ها

ادامه صفحه ۲

کارگران علیه فقر و گرانی!

طومار اعتراضی کارگران به ۲۰ هزار رسید

مرحله از امضاهای جمع آوری شده را که به ۲۰ هزار رسیده است، همراه با نامه ای به وزارت کار، احمدی نژاد و نمایندگان مجلس تحویل دادند. در این نامه ضمن اشاره به مشکلاتی چون عدم پرداخت دستمزدها، بیکار سازیها، قراردادهای موقت، ناامنی شغلی، دستمزدهای بشدت زیر خط فقر و

شهلا دانشفر

روز اول مهر امسال هماهنگی کنندگان طومار اعتراضی کارگران علیه سطح دستمزدها، دومین

ادامه صفحه ۸

همه باهم بسوی ده اکتبر روز جهانی علیه اعدام

ادامه صفحه ۳

صفحات دیگر

افزایش قیمت دلار، موافقان و مخالفان گرانی و فقر مردم!

محمد شکوهی

ادامه اعتراضات در یونان و اسپانیا!

شهاب بهرامی

کشمکش بین کارگران اعتصابی معادن آفریقای جنوبی و رژیم آپارتاید ادامه دارد

فاضل نادری

بازتاب هفته

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

جنبش اشغال پس از یکسال

از صفحه ۱

مهمتر از آن بیانگر تقابل توده مردم با يك در صد حاکم است. به جرات میتوان گفت که در تاریخ مبارزات معاصر در کشورهای صنعتی شعاری به این اندازه صریح و روشن بر تقابل توده مردم با اقلیت حاکم تاکید نکرده است. این شعار اعلام میکند که توده و نه در صد مردم در مقابل يك درصد صاحب قدرت و ثروت در جامعه بمیدان آمده اند و نابرابری های اجتماعی و اقتصادی را نشانه گرفته اند. این خصوصیت ضد کاپیتالیستی جنبش يك واقعیت شناخته شده و اعلام شده است. انسکلوپدی اینترنتی "ویکی پدیا" جنبش اشغال را اینطور معرفی میکند: "جنبش اعتراض علیه نابرابری های اقتصادی و اجتماعی که هدف اولیه اش تغییر ساختمان اقتصادی و مناسبات قدرت در جامعه است."

اولین نقطه قدرت جنبش که بالقوه میتواند آنرا به يك حرکت اعتراضی ادامه دار تبدیل کند، همین خصلت برابری طلبی اقتصادی - اجتماعی آنست. اعتراضات حقوقی و قانونی به ضعفها و کمبودهای سرمایه داری بنا به خصلت خود نمیتواند تداوم داشته باشند. با اصلاح و حل یا به هر حال رفع يك مساله (ختم جنگ، تصویب يك قانون، رفرم اقتصادی و غیره) جنبش اعتراضی به آن مساله معین نیز فرو می نشیند اما جنبش علیه قدرت يك درصدها تنها با خلع ید از قدرتمندان میتواند پایان برسد. ازینرو تا آنجا که مضمون و اهداف جنبش اشغال مربوط میشود این جنبش در ماهیت و خیریه خود قابلیت تداوم و ماندگاریش را با خود حمل میکند. اگر امروز ما شاهد افت ابعاد این جنبش نسبت به شروع انفجاری آن هستیم علت را باید در

نقطه ضعفهای دیگری جست که پائین تر به آن میپردازیم.

نقطه قوت دیگر جنبش اشغال شکل اعتراضی آنست. بروز يك جنبش اجتماعی نه در شکل مرسوم اعتصاب و تظاهرات و میتینگ و راهپیمایی بلکه به شکل اشغال مراکز تجاری و اقتصادی و یا میادین اصلی شهرها (که الهامبخش آن انقلاب مصر و اشغال میدان التحریر بود) نوعی ابراز اراده مستقیم مردم در بدست گرفتن امور خود است. اشغال میدان سل در مادرید در ماه مه سال گذشته (با شعار دموکراسی مستقیم) و سپس اشغال وال استریت و دیگر میادین و مراکز تجاری و صنعتی در ده ها کشور صنعتی نشانه های روشن بجالش کشیدن عملی دولت مافوق مردم و ارگانهای بوروکراتیک حکومت برنود و نه درصدها است. فعالین جنبش اشغال در نیویورک صراحتا اعلام کرده اند که احزاب حاکم و سنای آمریکا متعلق به يك درصدها است و وال استریت را نمایندگی میکند. فعالین میدان سل نیز شعار دادند که "رویهای ما از صندوق رای خارج نمیشود". این خصوصیت جنبش اشغال را از يك اعتراض اقتصادی به تبعیض و نابرابری فراتر میبرد و يك جنبه عمیقاً رادیکال ضد حکومتی و ضد ماشین دولتی به آن میدهد. دقیقاً این جنبه سیاسی است که میدان سل و وال استریت و میدان التحریر را به یکدیگر متصل میکند. اما مساله اینست که این خصوصیت ضد دولتی و ضد حکومت مافوق مردم هنوز تعیین پیدا نکرده و شفاف و روشن بیان نشده است. این يك نقطه ضعف مهم جنبش اشغال است.

آنارشیستهای و گرایش آنارشیستهای که در این جنبش فعال است از تاکید بر دخالتگری مستقیم مردم در روند و شیوه اعتراض و مبارزه (تشکلهای نوع

شورائی اشغال کنندگان و تصمیم گیری جمعی در سازماندهی و چگونگی پیشبرد مبارزه و غیره) فراتر نمیرود. حال آنکه خصلت نمای جنبش اشغال نه صرفاً دخالتگری اشغال کنندگان در سوخت و ساز و شیوه های مبارزه بلکه دخالت مستقیم توده مردم، نود و نه درصد جامعه، در امور اقتصادی و اجتماعی و تصمیم گیری هائی است که در انحصار و حیطه قدرت يك درصد حاکم قرار دارد. جذابیت توده ای جنبش و خصلت جهانی آن مدیون خود سازمانگری نیست، بلکه مدیون بجالش کشیدن قدرت يك درصدها است و مبهم و نامتعیین ماندن این جهتگیری یکی از عوامل اصلی افت این حرکت بعد از دوره چندماهه انفجار اولیه آنست.

تاکید بر این سوخت و ساز دموکراتیک جنبش با تعمیم آنارشیستهای آن به نفی تمرکز و رهبری و سر باز زدن از تعیین بخشی حزبی - سازمانی و شکل دادن به رهبری آن دیگر تماماً به يك نقطه ضعف مهملک تبدیل میشود. ظاهراً فراموش میشود که محتوی و مضمون جنبش اشغال نقد کمونیستی دولت مافوق مردم است و نه نفی آنارشیستهای تمرکز و حزبی و رهبری! و این واقعیت بدیهی نادیده گرفته میشود که بدون تعیین بخشی حزبی - سازمانی و شکل دادن به رهبری متمرکز، رهبری که قادر باشد گرایش و خصلت ضد دولتی جنبش را با يك پلاتفرم و پرچم سیاسی در نقد دولت مافوق مردم و نفی کلیت نظام سرمایه داری معنی و نمایندگی کند، حتی دموکراتیک ترین و بازترین شیوه های مبارزه حاصلی نخواهد داشت.

آنارشیسیم از گرایش توده مردم به اعمال اراده خود، شعار "ما همه رهبریم" را نتیجه میگیرد و بجای نقد ماشین دولتی و حکومت مافوق مردم نفی حزب و اتوریته رهبری را مینشانند اما هیچ جنبش و حرکت اعتراضی با شعار ذهنی و

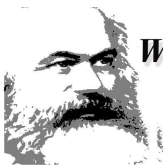
دماگوژیک "ما همه رهبریم" بجائی نمیرسد. جنبش به حزب و رهبری ای نیاز دارد که از گرایش توده ای به اعمال اراده مستقیم، نفی دولت مافوق مردم را نتیجه بگیرد و "ما همه دولتیسم" را معنی کند و امکانپذیری آنرا نشان بدهد. فقدان چنین رهبری ای يك ضعف اساسی جنبش اشغال است.

اگر یکسال بعد از اشغال وال استریت هنوز این جنبش از چهره های سرشناس، سخنگویان و رهبران محلی و سراسری خود محروم است علت آنرا باید در ضعف چپ سنتی در غرب، اعم از آنارشیستهای و چپ "ضد امپریالیستی" و یا چپ فرقه ای محبوس در اصول اسکولاستیک خود و بیربط به روند زنده مبارزه طبقاتی جستجو کرد. چپی که ضروریات عینی دنیای حاضر را نمیشناسد و از دیدن ظرفیت و پتانسل ضد کاپیتالیستی جنبشها و مبارزات و انقلابات دوره حاضر ناتوان است.

واقعیت آنستکه بحران مزمن و جهانی سرمایه داری، که در شکل تحمیل ریاضت اقتصادی به توده و نه درصد مردم و پروار شدن بیشتر بانکها و صاحبان سرمایه خود را نشان میدهد، عملاً نقد ریشه ای این نظام را به مساله روز توده مردم تبدیل کرده است. هیچ زمانی مانند امروز سرمایه داری در شکل کلاسیک و ناب "بازار آزاد" چنین مسلط و حاکم بر همه دنیا و در عین حال چنین بی افق و در بن بست نبوده است. دیگر نه فنودالیسم و استبداد فنودالی در هیچ گوشه ای از دنیا وجود خارجی دارد که بتوان فقر و فلاکت و بیحقوقی ها و مصائب اجتماعی را ناشی از آن دانست و نه اردوگاه شوروی ای در کار است که بتوان سرمایه داری بازار آزاد را با برچسب "آنتی توتالیتراریسم" مردم

دنیا فروخت. بیش از سی سال است که سرمایه داری بازار آزاد بلامناع بر جهان مسلط بوده است و نتیجه اینست که می بینیم: تشدید فقر و بیکاری و گرانی و نا ایمنی اقتصادی و ریاضت کشی و بی حقوقی و بی اختیاری توده مردم در سراسر جهان. این برای سرمایه داری آخر خط است. اما آیا این شرایط به نفی عملی سرمایه داری منجر خواهد شد؟ جواب این سؤال از پیش روشن نیست. این تماماً به روند مبارزه طبقاتی و ایفای نقش کمونیستها - کمونیسم از نوع کمونیسم کارگری - بستگی دارد. جنبش اشغال - و همچنین انقلابات منطقه - نشان میدهد که زمینه برای ایفای نقش کمونیستها کاملاً فراهم است. میتوان گفت جنبش اشغال و کلا مبارزات و انقلابات توده ای که در یکسال و اندی اخیر در شرق و در غرب شاهد آن هستیم ناشی از و منعکس کننده دو نیاز و ضرورت واقعی است. از یکسو نیاز به زیر و رو کردن دنیای به آخر رسیده سرمایه داری و از سوی دیگر نیاز به رهبری و حزب و چهره ها و سخنگویان کمونیستی که بتوانند این مبارزات را نمایندگی کنند و به پیش ببرند و به پیروزی برسانند. عروج قدرتمند جنبش اشغال از نیاز اول سرچشمه میگیرد و افت نسبی آن بیانگر نیاز دوم است. اما در هر حال جنبش اشغال هر سرنوشت و آینده ای داشته باشد يك چیز مسلم است: افق و چشم انداز و جهتی که این جنبش در برابر توده توده و نه درصدی مردم جهان قرار میدهد زمینه های عروج و سر بلند کردن کمونیسم زنده و بالنده در خور دنیای امروز را نیز فراهم آورده است.

۲۶ سپتامبر ۱۲

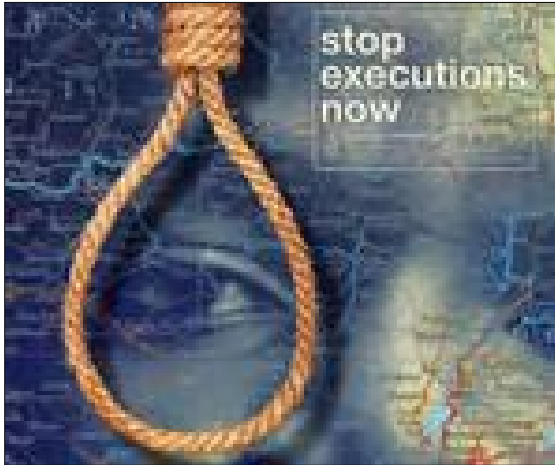


**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran
www.wcpi.org

همه باهم بسوی ده اکتبر روز جهانی علیه اعدام

اعدام لکه ننگی بر دامن بشریت در قرن بیست و یک است! اعدام یعنی کشتن انسانها و سازمان دادن قتل خونسردانه توسط حاکمین که هدفش نه دفاع از امنیت و نه مقابله با جرم و جنایت در جامعه، بلکه انجام جنایت بر علیه مردم و ایجاد وحشت در بین مردم است.



اورا به قتل برساند. ایران آینده ایرانی عاری از اعدام و سنگسار و جنایت و شکنجه و زندانی سیاسی خواهد بود. امروز اما باید علیه اعدامها در ایران بسیار بیش از اینها کار کرد. امروز باید بپا خاست و مانع کشتار جوانانی شد که روزانه به دست مثنی جلاذ بیرحم و فاشیست به قتل میرسند. همین امروز چهارشنبه ۲۶ ماه سپتامبر در زندان اوین ۱۱ نفر را اعدام کردند. و این روند خطرناکی است که ادامه دارد.

فراخوان من به همه سازمانهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی اینست که متحده علیه این اعدامها بپا خیزیم. هر فرد و یا نهاد و یا سازمانی که فکر میکند مبارزه با اعدام کار مهمی نیست و در نهایت باید در سال اطلاعاتی ای داد و عذاب وجدان را ترمیم کرد، اصلاً وارد میدان مبارزه با کشتیدن ستون از زیرپای حکومت اسلامی نشده است. این نهاد و یا سازمان و یا فرد... در عین حال باید به هزاران جوان در بند که منتظر اعدام هستند پاسخ دهد پس مشغول چه کار مهم تری بوده است؟

مینا احدی

۲۶ سپتامبر ۲۰۱۲

بین المللی علیه اعدام بررسی لحظات هیجان انگیز و مهم مبارزه علیه اعدام فعالین سیاسی در ایران، مبارزه علیه اعدام زنان و مردمی که در اعماق جامعه بوده و کسی اسم آنها را نمیدانست و تبدیل شدن این افراد به چهره های مقابله با اعدام در ایران، جمع بندی دستاوردهای این مبارزه و بررسی گام هایی که این جنبش به جلو برداشته وظیفه ما است وظیفه کسانی است که این تاریخ مبارزه علیه اعدام در ایران را شکل داده و به پیش برده اند.

امروز جنبش علیه اعدام در ایران يك جنبش مهم، قوی و روشن و رادیکال است که میتواند در منطقه خاورمیانه نقش مهمی بازی کند. با وجود اینکه حکومت اسلامی ایران بیشترین اعدامها را انجام میدهد و نماینده سیاهی و تباهی و مرگ و جنایت مقدس است، جنبش علیه اعدام در ایران پاسخ روشن تئوریک و سیاسی و انسانی به این معضل داده و اعلام کرده است که اعدام قتل عمد دولتی است و برای همیشه باید در همه جای جهان ممنوع شود. هیچ باند و جریان و حزب و فردی اجازه ندارد هیچکس را به هیچ عنز و بهانه ای به "اعدام" محکوم کند و

را هموارتر کنند. سی و سه سال جنایت و خونریزی، اعدام هزاران نفر، داغدار کردن میلیونها نفر در ایران، جزئی از پرونده این حکومت جنایتکار است. در سال ۲۰۱۱ در ایران صدها نفر اعدام شدند و هم اکنون در زندانهای این حکومت هزاران نفر محکوم به اعدام شب را به روز و روز را به شب میرسند و منتظر هستند که روزی اسم آنها از بلندگوی زندان خوانده شود و رهسپار میدان اعدام شوند.

سوال اینست هر سازمان و حزب مخالف حکومت اسلامی و بویژه احزاب و یا افرادی که امروز در آرزوی آلترناتیو شدن و رسیدن به قدرت در ایران آینده هستند آیا میتوانند در محضر مردمی که قربانی این سیبعت قرون وسطایی بوده اند، اعلام کنند که امروز و در دهه گذشته علیه اعدام چه کردند، و فردا با این وحشیگری که متأسفانه در خاورمیانه اکنون پنجاه درصد نیز افزایش آمار داشته چه خواهند کرد؟

هر سازمانی که مهر اپوزیسیون بر پیشانی دارد و هیچ قدمی در این راه برنداشته و هیچ میتینگی را سازمان نداده و يك کلمه در این مورد نگفته و يك بار برای نجات جان محکوم به اعدامی در ایران ننگیده بهتر است کرکره سازمانش را بعنوان اپوزیسیون حکومت اسلامی پایین بکشد و در این دکان را تخته کند.

ارزیابی از مقاومت و مبارزه مادران و پدرانی که فرزند دلنشان اعدام شد و یا در لیست اعدام هست، ارزیابی از اعتراضات مردمی در میدان های اعدام و یا پاره کردن طناب اعدام در سیرجان و ارزیابی از هزاران میتینگ اعتراضی در سطح

سال ۲۰۱۱ را سال ممنوعیت دوفاکتوی سنگسار در ایران و به نوعی در جهان دانست. طبق آمار نهادهای مدافع حقوق انسانی اکنون در دنیا ۱۴۰ کشور جهان یا اعدام را از قوانین خود حذف کرده و یا آنرا اجرا نمیکنند. اکنون در ۲۰ کشور دنیا اعدام میکنند. ولی ۵۸ کشور جهان حکم اعدام را در قوانین خود دارند. بلاروس تنها کشور اروپایی است که اعدام میکند و امریکا تنها کشور از میان هشت کشور صنعتی جهان است که کماکان با بیرحمی اعدام میکند.

در سال ۲۰۱۱ در ژاپن خوشبختانه بعد از ۱۸ سال هیچکس اعدام نشد. ایران نه فقط در صدر لیست اعدامها است بلکه تنها حکومتی بود که طبق اخبار سازمان عفو بین الملل سه نفر را اعدام کرد که هنگام اجرای جرم پایین ۱۸ سال بوده اند.

اعدام در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی يك ستون مهم تکیه دادن حکومت اسلامی و بقا و دوام جنایتکاران حاکم بر ایران است.

هر حزب و یا سازمان اپوزیسیون این حکومت هر مدافع حقوق انسانی و هر کس که از مقابله با این حکومت حرف میزند، موظف است این ستون را نشان گرفته و علیه آن کاری بکند. کمیته بین المللی علیه اعدام از همه احزاب و سازمانها و افراد و مخالفین اعدام دعوت میکند که در ده اکتبر سال ۲۰۱۲ به بررسی و نقد فعالیتها و مبارزات علیه اعدام در ایران پرداخته و با این بررسی ها راه گسترش یافتن و مقابله متحدهانه تر و قویتر با کشتن انسانها در ایران

ایران در صدر لیست حکومتهای اعدام کننده است و پا به پای چین با سبعیت و بیرحمی اعدام میکند. این دو حکومت قاتل، حتی آمار دقیق اعدامها را نیز اعلام نمیکنند.

سال ۲۰۱۱ در منطقه خاورمیانه سال گسترش اعدامها و سال وقاحت و وحشیگری بیشتر حکومتها در اعلام احکام اعدام و اجرای آن بود. سازمان عفو بین الملل میگوید: "تعداد اعدامهای ثبت شده در سال ۲۰۱۱ در خاورمیانه افزایش شدیدی پیدا کرده و تقریباً ۵۰ درصد بیشتر از سال قبل است"

این افزایش به کشورهای ایران و عراق و عربستان سعودی و یمن مربوط است.

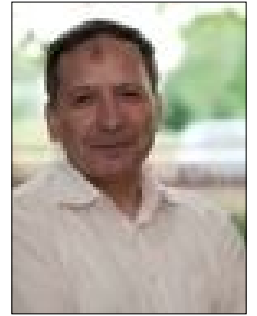
در سالی که پشت سر گذاشتیم تعداد کشورهای مجری اعدام در مقایسه با يك دهه گذشته بیش از يك سوم کاهش یافته است.

حکومتهاى ضد انسانی در سال ۲۰۱۱ محکومین به اعدام را از طریق دار زدن، تزریق مواد کشنده و سم، گردن زدن و تیر باران به قتل رسانده و نمونه بارزی از وحشیگری و دنائت را در دنیا به ثبت رساندند.

برخی از این حکومتها در ملاء عام اعدام میکنند. همچون ایران، کره شمالی، عربستان سعودی و سومالی، و برخی کماکان سنگسار را در دستور کار خود دارند. البته خوشبختانه به یمن اعتراضات بین المللی و بویژه کمپین درخشان نجات سکینه محمدی آشتیانی که دنیا را علیه سنگسار به میدان کشاند، احکام سنگسار در ایران و یا سودان اجرا نشد و مردم و فعالین علیه سنگسار مانع اجرای احکام صادر شده در دنیا شده اند. باید

بازتاب هفته

کشمکش دولتهای چین و ژاپن، سرپوشی بر بحران عمیق اقتصادی



بهروز مهرآبادی

حکامات دولتهای این دو کشور به یکدیگر هیچگاه تا به این حد شدید نبوده است. درباره این کشمکش بحث ها و تفاسیر مختلفی در رسانه های مطرح است. اما در این بحث ها و تحلیل ها کمتر به شرایط سیاسی و اقتصادی دو کشور و کاربرد و تاثیر تبلیغات ناسیونالیستی در این شرایط، اشاره می شود. مراجعه به بحران اقتصادی کشور چین و بالا گرفتن اعتراضات کارگری در آن کشور می تواند، مسئله را روشنتر کند. این تبلیغات در حال حاضر سرپوشی بر وضعیت خراب اقتصادی و نارضایتی عمومی مردم و بویژه کارگران است. در صورت گسترش این نارضایتی، دفاع از "تمامیت ارضی"، "مقابله با دشمن خارجی" و وجود "وضعیت اضطراری" حربه هایی است که سرمایه داری همواره از آن برای سرکوب اعتراضات کارگران و همچنین برای ایجاد شکاف و تفرقه در بین صفوف آنها استفاده میکند. کارگران ایران این تجربه را از سالهای جنگ دارند. سرمایه داری ژاپن هم به نوبه خود تلاش می کند از این شرایط به نفع خود و برای استثمار بیشتر کارگران ژاپن استفاده کند. اما در مقابل تبلیغات ناسیونالیستی و خصمانه دولتهای چین و ژاپن، موج تبلیغات صلح و دوستی بویژه در میان جوانان ژاپن و چین از طریق رسانه های اجتماعی مانند توییتر و فیس بوک براه افتاده است. آنها بیزاری خود را از جار و جنجال های شوینستی دو دولت نشان اعلام کرده اند و بعید بنظر می رسد که این جار و جنجال ها ذره ای از مبارزات کارگران چین برای مقابله با استثمار وحشیانه ای که در آن کشور جریان دارد، بکاهد.*

تشنج بین دولتهای چین و ژاپن بر سر تملک جزایر دیائویو در دریای شرقی چین، ادامه دارد. روز سه شنبه ۲۵ سپتامبر ناوهای ژاپنی قایق های ماهیگیری ژاپنی را از اطراف این جزایر بیرون راندند. وزارت خارجه چین روز چهارشنبه به دولت ژاپن هشدار داد که با تمام قدرت از تمامیت ارضی خود حفاظت خواهد کرد. در هفته های اخیر دعوا بر سر تملک جزایر دیائویو بین این دو دولت بالا گرفته و این مسئله یکی از مهمترین مسائل مورد بحث رسانه ها و محور اصلی تبلیغات دو دولت و بویژه دولت چین را تشکیل داده است. بعد از سالها پرچم ژاپن در این جزایر بالا برده شد و در پکن تظاهرات دولتی در مقابل سفارت ژاپن برگزار و پرچم ژاپن به آتش کشیده شد. تاریخ نگاران دولتی از هر طرف به شدت مشغولند تا ثابت کنند بنجاح این جزایر از روز ازل به اسم امپراتوری ژاپن نوشته شده و یا میراث سلاطین چین بوده است. بحث "تمامیت ارضی" در چین و ژاپن داغتر از هر خبر و موضوع دیگری است. اختلاف بر سر مالکیت این جزایر به سالهای دور و حتی قبل از جنگ جهانی دوم برمی گردد.

کارگران چین و فروپاشی یک قبله!

باشند. بخاطر شرایط دشوار کار هر سال تعداد زیادی از کارگران دست به خودکشی می زنند و دهها کارگر تاکنون جان خود را از دست داده اند. به همین دلیل کارگران در هنگام بستن قرارداد کار باید متعهد شوند که دست به خودکشی نخواهند زد. در غیر اینصورت خانواده های آنها باید جریمه ای سنگین پرداخت کنند. اما انبوه کارگران بیکار که پشت در کارخانه ها در صف ایستاده اند و نبودن تشکل های کارگری نتوانسته است مانع بروز اعتراضات گسترده شود. آنها توانستند در اواخر سال ۲۰۱۰ شرکت فاکسکان را ناچار به افزایش حقوق خود کنند. مبارزات کارگران در دو سال گذشته ادامه داشته است. روز یکشنبه ۲۳ سپتامبر کارگران دست به اعتراض زدند و بیش از دو هزار کارگر تا ساعاتی بعد از نیمه شب در برابر کارخانه تجمع کردند. اعتراضات کارگران در این روز با حمله نیروهای امنیتی چین خاتمه یافت، اما این پایان اعتراضات کارگران فاکسکان نیست در چین نیست. رژیم حاکم بر چین نه قادر به غلبه به بحران اقتصادی است و نه قادر به جلوگیری از اعتراضات کارگری خواهد بود. این قبله هم در حال فرو ریختن است.*

کارکنان آن در کشورهای مختلف جهان بیش از یک میلیون نفر برآورد می شود. این شرکت تولید کننده اصلی قطعات الکترونیکی برای شرکت اپل، سونی، نوکیا، هیولت پاکارد، دل و چندین کمپانی بزرگ دیگر می باشد کارخانه تعطیل شده در چین ۷۹ هزار کارگر دارد. در هفته های اخیر کارگران در اعتراض به شرایط غیر انسانی حاکم در محیط کار خود دست به اعتراضات گسترده ای زدند. در مقابل این اعتراضات شرکت فاکسکان تصمیم به تعطیلی این کارخانه گرفت. بحران طولانی مدت اقتصادی آمریکا و اروپا و نبودن بازار فروش را نیز می توان یک دلیل مهم در تعطیلی این کارخانه بشمار آورد. کارخانه فاکسکان در چین شهرکی صنعتی بنام خود ایجاد کرده است. این شهرک بیشتر به یک قلعه نظامی شبیه است و کارگران در آنجا محبوس هستند. مدت کار در شبانه روز ۱۶ ساعت است و کارگران در زمانهای تعیین شده حق رفتن به توالت را دارند. آنها حتی اجازه صحبت کردن با یکدیگر را ندارند. برای کارگران محل سکونت وجود ندارد. آنها فقط خوابگاههایی دارند تا چند ساعت باقی مانده از روز را بتوانند استراحت کنند و توان کافی برای کار کردن در روز بعد را داشته

برای مدت چند سال اقتصاد چین آب از دهان سرمایه داران بسیاری از کشورهای دنیا سرازیر کرده بود. بیش از همه سرمایه داران کشورهای نظیر ایران حسرت تولید ارزان و انبوه چین را می خوردند و رویای رسیدن به پای چین را در سر داشتند. رویایی که هیچکدام آنها پنهان نمی کردند. نه تنها سردار سازندگی هاشمی رفسنجانی و محمد خاتمی و احمدی نژاد رئیس دولت امام زمانی، بلکه جناحهای مغلوب و مغضوب سرمایه داری نظیر سلطنت طلبان و حزب توده و انواع و اقسام احزاب ملی مذهبی هم بدفعات "اقتصاد شکوفای" چین را ستوده و آنرا قبله خود و رسیدن به پای آن را منتهای آرزوی خود اعلام کرده اند. اقتصادی به قیمت استثمار وحشیانه کارگران چینی رشد کرد و در عرض مدت کوتاهی سرمایه داری آن کشور را تبدیل به یک غول بزرگ تبدیل نمود. تبدیل شدن به این غول برای سرمایه داران ایرانی یک رویا بود. رویایی که در حال تبدیل شدن به یک کابوس است. اقتصادی که با استثمار وحشیانه و کار ارزان صدها میلیون کارگر چینی "شکوفای" شده بود نتوانست خود را از هیولای خود ساخته اش یعنی "بحران" پنهان کند. این شتر غول آسا نه دم خانه بلکه بر روی سرمایه داری چین نشسته است و هر دم بر سنگینی وزن خود می افزاید و بدنبال آن دامنه اعتراضات کارگری هر روز بالا می گیرد. وضعیت کارگران کارخانه فاکسکان در شمال چین نشان می دهد که ثروت عظیم سرمایه داری چین چگونه انباشته شده و تعطیلی این کارخانه گویای بحران عمیقی است که این سرمایه داری به آن مبتلا است. شرکت فاکسکان بزرگترین تولید کننده قطعات الکترونیکی و رایانه ای در جهان است و تعداد

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

اصغر کریمی، دبیر کمیته خارج
۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

تلفن تماس با حزب از ایران

شهاب دانشفر: دبیر کمیته سازمانده
۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K , Box: 2110 ,
127 02 Skärholmen - Sweden

افزایش قیمت دلار، "موافقان و مخالفان" گرانی و فقر مردم!



محمد شکوئی

در هفته های اخیر موضوع افزایش قیمت دلار یا به عبارت بهتر بالا بردن قیمت دلار توسط دولت و بانک مرکزی نق زندهای مجلسی ها و برخی باندهای مافیای حکومتی را به همراه داشته است. پیرامون موضوع سیاست ارزی دولت و نقش باندهای پشت پرده مافیای ارزی حکومت در بالا بردن قیمت دلار، افشاگریها و بخشا جنگ و دعواهای مافیای مختلف وابسته به بیت رهبری، دولت و مجلسیها کماکان با حرارت ادامه دارد. افشاگریهای دار و دسته های گوناگون حکومت از ابعاد این مافیای ارزی که به اعتراف بخش "بورژوازی اسلامی" دست اندرکاران اقتصادیات جمهوری اسلامی، پرده از زمین گیر شدن و ورشکستگی کل اقتصادیات حکومت برداشته است. افشاگریهایی که درنوع خود هر کدامش از موضعی به بررسی نقش و جایگاه مافیای ارزی کل نظام پرداخته و رسماً شکست سیاستهای ارزی دولت و بانک مرکزی و کل نظام را اعلام کرده اند. پا بپای این افشاگریها بخشهایی از حکومت که یک سرشان به بیت رهبری و سر دیگرشان در مافیای بازار بورس ارزهای خارجی و بویژه دلار می

باشد، در هفته های اخیر نگرانی های جدی پیرامون اثرات و تبعات بالا رفتن ارزهای خارجی و دلار به دولت گوشزد کرده و از خامنه ای و مراجع مهم نظام درخواست کرده اند که جلوی روند افزایش بی رویه ارز توسط دولت و بانک مرکزی را بگیرند. چرا که دولت با سیاست بالا بردن قیمت دلار، طرح و راه اندازی "اقتصاد مقاومتی" مورد نظر خامنه ای را با خطر جدی روبرو کرده است. دلالتان و واسطه ها و باندهای پر قدرت مالی و دلاری رژیم که در بازار بورس مبادله و معامله ارزهای خارجی در تهران نشسته اند، با حمایت دولت و بانک مرکزی ساعتی نرخ عرضه، خرید و فروش دلار و ارزهای خارجی را بالا می برند. پروسه ای که به اعتراف کارشناسان اقتصاد ورشکسته دولتی، تیشه به ریشه اقتصادیات حکومت میزند. در این میان دولت از قبل این سیاست بالا بردن قیمت دلار روزانه میلیاردها تومان سود به جیب میزند. این عرصه سومین عرصه درآمدهای دولتی ها می باشد.

موافقان سیاست ارزی دولت در جرگه نئولیبرالهای اسلامی و بخش خصوصی از سیاستهای دولت و بانک مرکزی در "هدایت بازار ارز" دفاع کرده و خواهان "نظام مند کردن سیاست ارزی دولت" با نوسانات رایج در بازارهای جهانی ارز هستند. آنها به دولت توصیه می کنند که چاره ای جز وصل شدن به بازار جهانی خرید و فروش ارز و حرکت در این مسیر نداشته و دولت باید "بیشتر" از این دست بازار بورس ارزهای خارجی را بازتر نموده، از

"دخالتهای بیجا" در تعیین قیمت دلار خودداری کرده و موضوع را به مکانیزم بازار آزاد ارز حواله نماید تا خود بازار همه چیز را "تنظیم" کند. این جماعت ضمن دفاع و سوار شدن به سیاستهای ارزی دولت، معتقدند که دولت کار خودش را کرده و بهتر است دیگر همه چیز را به بازار حواله بدهد. از نظر آنها کاری که جمهوری اسلامی در سه دهه گذشته انجام داده، بی نظیر بوده و پایه ها و زمینه های وصل اقتصاد ایران به اقتصاد جهانی را "مهیا" کرده است. این جماعت حتی ثابت می کنند که این سیاست های ارزی دولت در جهت "تقویت اقتصاد مقاومتی" بوده و به همین خاطر خامنه ای هم از آن دفاع می کند.

اما مخالفان این سیاستهای ارزی دولت که بخشا حامیان شکست خورده اقتصادیات دولتی و هواداران دخالت دولت در هدایت و تنظیم بازار می باشند، از بخش هایی از مجلسی ها گرفته تا برخی از چهره های سابق نظام که ظاهراً پشت سیاستهای "اقتصاد مقاومتی" خامنه ای جبهه گرفته اند، سیاستهای ارزی دولت و بانک مرکزی را مغایر با اقتصاد مقاومتی دانسته و خواهان جلوگیری از ادامه بیشتر آن و تشبیت سیاستهای ارزی دولت در شکل کنونی بوده و معتقدند که "دولت باید مهار بشود". قابل توجه است که اینها خواهان مهار دولت، البته دولت احمدی نژاد بوده و مدخل دخالت دولتی خودشان را دارند که بخشا به عنوان آلترناتیو ارائه میدهند. این باندها هم از اقتصاد مقاومتی خامنه ای دفاع کرده و

زیر این پرچم سینه میزنند.

با یک نگاه ساده معلوم میشود که ماجرای این موافقتها و مخالفتها نه سر و سامان دادن به اقتصادیات ورشکسته رژیم، بلکه سهم خواهی بیشتر مافیای ارزی و مالی باندهای حکومت و نقش اینها در بخور و بچاپ های جاری کل حکومت می باشد. خودشان هم می دانند که شعارهای اقتصادی و طرح هایشان راه به جایی نمی برد. دعوا بر سر دزدی قانونی و سهم خواهی های باز هم هر چه بیشتر باندهای حکومتی است. دولتی ها و هوادارانشان، البته با حمایت خامنه ای در این ماجرا دست بالا را داشته و طبعاً سهم بیت رهبری را هم در نظر گرفته اند. مخالفان این سیاستهای دولت تا به امروز موفق نشده اند دلایل مخالفتشان را با این سیاستهای دولت به کرسی بنشانند. از اینرو ناچاراً "نق زدن" بوده و مدام در مجلس پیشنهاد تشکیل "کمیسیون های ارزی" داده و گروههای ویژه ای را برای پیشبرد امرشان فراخوان داده و نامه نگاری کرده و روزگار می گذرانند. لاریجانی و بخشهایی از اصولگرایان هم به جمع این نق زدنهای پیوسته و مدام به دولت "توصیه هایی" می کنند. اما در عالم واقع باند دولتی ها با حمایت رهبری و عناصر با نفوذ رژیم کل ماجرا را مدیریت کرده و روزانه با سیاست دلار فروشی حکومتی، سودهای میلیاردری به جیب میزنند.

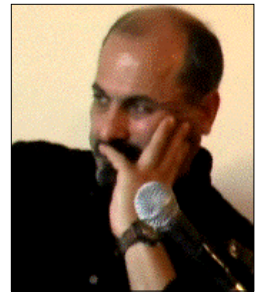
تاوان این سیاستها و یا دزدی آشکار را مردم با گرانی های هر روزه می پردازند. در حالی که قیمت ها از ابتدای سال بیش از

۶۰ درصد افزایش یافته، دستمزد ها تغییری پیدا نکرده. همه چیز گران شده به غیر از نیروی کار کارگر. کارگران و مردم می گویند دستمزد ریالی می گیرند ولی هزینه های تامین زندگی بخور و نمیرشان با دلار می پردازند. حکومت جانیمان با وقاحت و بیشرمی هر روزه آمار و ارقام بالا رفتن قیمتتها را ارائه داده و باند مخالف را مسئول این وضعیت قلمداد می کنند. کل حکومت روی فقر و فلاکت مردم و تحمیل باز هم بیشتر گرانی، حساب باز کرده و مافیای عریض و طویل آن از فلاکت روز افزون مردم ارتزاق می کند. اقتصاد حکومت در دوعرصه مهم متمرکز شده است. فروش نفت و فروش دلار و کسب درآمدهای افسانه ای. دوم تحمیل فقر و فلاکت و دستمزدهای زیرخط فقر و گرانی ها هر چه بیشتر به کارگران و مزد بگیران. و در کنار آن سرکوب و تقویت دم و دستگاه نظامی رژیم!

سر و سامان دادن به اقتصاد جامعه و تامین حداقل های یک زندگی بخور و نمیر هیچ موقع امر این حکومت نبوده و نیست. حکومت دزدان و قاتلان، سازماندهندگان و مجریان این زندگی توأم با فقر و فلاکت را باید بر سرشان خراب کرد. در برابر این همه فقر و گرانی، در برابر این سیاستهای بشدت ضدکارگری و ضد مردمی؛ باید صف اعتراض و مبارزه متحد میلیونی کارگران و مردم به میدان بیاد. راه دیگری برای رهایی از شر حکومت اسلامی سرمایه داران نیست. برای پایان دادن به همه این مشقات و مصائب، در اولین قدم باید کل نظام را به زیر کشید.*

نه قومی نه مذهبی حکومت انسانی!

رئیس جمهور اسلامی که این بار نقش موش مرده را بازی کرد!



محسن ابراهیمی

از صفحه ۱

و اتفاقات حاشیه این سفر در محافل حاکم در ایران، انعکاسی از موقعیت وخیم حکومت اسلامی در جهان و در ایران بود. انعکاسی از این حقیقت بود که نظام اسلامی در جهان منزوی تر و در ایران متشت تر شده است.

احمدی نژاد برای هشتمین بار از پودיום سازمان ملل سخنرانی کرد. اما یک مقایسه کوتاه میان این سخنرانی و آن سخنرانیهای قبلی حاکی از این حقیقت است که فتیله جمهوری اسلامی بیشتر به پایین کشیده شده است. و این البته یک واقعیت خوشایند برای مردم ایران است که میخواهند کل نظام اسلامی برای همیشه خاموش شود.

فقط به چند مقایسه کوتاه توجه کنید:

تحلیلگران و مفسرین رسمی رسانه های غربی همه انگشت به دهان شده اند که این بار از رجزخوانهای هر ساله خبری نبود و جناب رئیس جمهور سعی کرد معتدلتر و دیپلماتیک تر از گذشته ظاهر شود. و این البته مشاهده درستی است، مشاهده درستی که جای تعجب ندارد.

این بار به جای تکرار تئوریهای مالیخولیایی توطئه در باره جنایت اسلامی در ۱۱ سپتامبر، ایشان از یک "حادثه تلخ" یاد کرد که لازم است مسببانش دستگیر و محاکمه و به جهانیان

معرفی شوند! (مردم ایران همین نصیحت حقوقی این جنایتکار را باید جدی بگیرند و در مورد شخص خودش و باندهای آدمکش حکومتش اجرا کنند). این بار انکار هولوکاست فاشیستی یهودیان، به دریا ریختن مردم اسرائیل، جایش را به یک لفاظی فاضلانه تاریخی در باره "اسرائیل بی ریشه" داد! (معتز به گویم که آن افکار مالیخولیایی قرار بود سمپاتی مردم شریف فلسطین را جلب کند که بیش از پیش به این نتیجه رسیده اند که باید در مقابل جنایات حکومت نژاد پرست مذهبی اسرائیل و راه حل مالیخولیایی جمهوری اسلامی، در کنار مردم اسرائیل با حقوق برابر زندگی کنند).

این بار معلوم شد که اگر جمهوری اسلامی بتواند اورانیوم غنی شده بیست درصدی اش را از کشورهای دیگر بخرد دیگر از تولید آن در ایران دست خواهند کشید!

و مهمتر از همه، این بار دیگر از شاخ و شانه کشیدن به "شیطان بزرگ" خبری نبود. معلوم شد که: دولتهای آمریکا ۳۳ سال فرصت را برای تعامل با ایران از دست دادند! معلوم شد که اگر آمریکا یک قدم مثبت بردارد، احمدی نژاد کمک خواهد کرد تا روابط سریع تر برقرار شود! معلوم شد که علیرغم اینکه آمریکا از تحریم برای "انتقام گرفتن" از مردم ایران استفاده می کند دولت احمدی نژاد حاضر است با واشنگتن گفتگو کند!

و البته به همه اینها باید سخنان حکیمانه در باره "دهه مدیریت مشترک جهانی" را اضافه کرد تا تصویر تکمیل شود. (چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است. کسی نیست از این الدنگ سیاسی پیرسد که مدیریت جهانی پیشکش، بهتر

است اول بحران حکومتی خودتان را مدیریت کنید؟)

خوب، می بینیم که "قهرمان" سرسخت انکار هولوکاست و اتمی شدن ایران، کسی که شغل مهمش در هشت سال گذشته رجزخوانی علیه آمریکا از تریبون سازمان ملل بود، این بار به جای همه اینها به نامگذاری دهه آینده به نام "دهه مدیریت مشترک جهانی" بسنده کرد! (تصور کنید آن نیروهایی که چندین دهه است دنیا را در منگنه تقابل تروریستی شان به خون و کثافت کشیده اند، این بار این جهان را مشترکا مدیریت کنند!)

محافل حاکم در غرب سخنان احمدی نژاد را جدی نگرفتند که گویا سخنان او حاکی از یک تغییر روش در جمهوری اسلامی است. به این دلیل ساده که باند احمدی نژاد در حال حاضر مشغول راهی برای بیرون کشیدن گلیم خونینش از کشمکشهای درونی حکومتی است که دست چپش با دست راستش هماهنگ کار نمیکند.

حتما خبر به گوش همه رسیده است که درست در لحظاتی که احمدی نژاد داشت در باره "مدیریت مشترک جهانی" لفاظی میکرد، مدیران خودش در ایران روانه زندان شدند. (جوانفکر مشاور مطبوعاتیش در لحظات سخنرانی رئیس جمهور اسلامی بازداشت شد). حتما این خبر مهم هم به گوش همه رسیده است که درست در لحظاتی که احمدی نژاد وعده مذاکره با آمریکا را میداد نمایندگان مجلس سر به باند خامنه ای اعلام کردند که سخنان ایشان در خصوص مذاکره با آمریکا "با راهبرد عزت، مصلحت و حکمت کشور" ناسازگار است! (یعنی باند احمدی نژاد کاره ای نیست. اوضاع در دست باند خامنه ای است).
دواستناج سیاسی:

۱ - مستقل از اینکه احمدی نژاد در حال حاضر چقدر در کشمکش باندهای اسلامی حاکم در ایران قدرت دارد یا ندارد، به عنوان رئیس جمهور اسلامی در یک تریبون مهم بین المللی در قبال بنیادهای ایدئولوژیک - سیاسی حکومت اسلامی ظاهر معتدلتر به خود گرفت. همین گواه یک حقیقت سیاسی است: جمهوری اسلامی در جهان آنچنان به پیسی افتاده است که چهره رسمی رو به بیرونش به جای رجزخوانیهای گذشته علیه غرب، به عنوان پیشقدم مذاکره با غرب ظاهر میشود.

- این چهره معتدل از رئیس جمهور حکومتی که ضدیت با غرب یک بنیاد ایدئولوژیکش است و خودش هم با رجزخوانیهای ضد غربی اش شناخته میشود، نشان از یک حقیقت سیاسی دیگری است: موقعیت وخیم داخلی حکومت اسلامی. نوع رابطه با غرب برای جمهوری اسلامی قبل از هر چیز مسئله ای مربوط به بقای سیاسی خود حکومت اسلامی است. جمهوری اسلامی روی آتش سوزان نفرت همه جانبه و عمیق قریب ۸۰ میلیون انسان علیه این حکومت راه میبرد که هر لحظه ممکن است به صورت یک آتشفشان منفجر شود و کل عمارت اسلامی را خاکستر کند.

ضدیت با غرب برای جمهوری اسلامی قرار است ابزاری برای حفظ حکومت باشد. یعنی ضدیت با غرب اصل نیست. اصل بقای حکومت اسلامی است. بقای سیاسی حکومت مقدسترین مقدمات است. نوع رابطه با غرب هم اساسا باید به این امر مقدس خدمت کند. آیا رئیس جمهور رجزخوان حکومت اسلامی و باندش به این نتیجه رسیده اند که اگر میخواهند بمانند باید با غرب رابطه حسنه داشته باشند؟ و درست به همین خاطر میخواهند در این امر پیشقدم شوند؟ آیا باند خامنه ای خودش در چنین

موقعیتی قرار دارد و نمیخواهد ابتکار بدست باندی بیافتد که زمان کوتاهی از عمر سیاسی اش مانده است؟

پاسخ این سئوالات از طرف باندهای مختلف حکومت اسلامی ممکن است متفاوت باشد. ممکن است یک پاسخ داشته باشند و میخواهند زیر پای همدیگر را برای بدست گرفتن ابتکار عمل خالی کنند. اما برای مردمی که میخواهند کل این حکومت را با همه باندهای معتدل و پراگماتیست و افراطی و ایدئولوژیکش به زباله دان پرت کنند سئوال متفاوت است. سئوال این است که چگونه میتوان همین وضعیت در هم ریخته حکومت را به عنوان پله ای برای خیز برداشتن علیه کل جمهوری اسلامی به کار برد.

کارگرانی که در جریان همین کشمکشهای درون حکومتی، همچنان برای حرمت انسانیشان مبارزه میکنند و با امضای ۲۰ هزار نفره صحنه ای از اعتراض و قدرت خود را به نمایش گذاشته اند، زنان و جوانانی که همین هفته گذشته آخوندی را به عنوان سمبل اقتدار حکومت اسلامی شل و پل کردند، مردمی که در کشمکش دائمی برای به پایین کشیدن حکومت اسلامی بسر میبرند، حق دارند این موش مردگی احمدی نژاد در سازمان ملل، این کش و قوس باند احمدی نژاد و خامنه ای را به حساب قدرت خود و به حساب ترس این حکومت از قدرت عظیم خود بگذارند، از آن اعتماد به نفس سیاسی بگیرند و عزم خود را برای به پایین کشیدن این حکومت جزمتر کنند.

تشتت و ضعف و سرگیجه سیاسی حکومت اسلامی چه در سطح جهان و چه در ایران انعکاسی از قدرت سیاسی مردمی است که وظیفه سنگین اما شور انگیز رها کردن جامعه ایران از نکبت حکومت اسلامی و جهان از دمل چرکین جنبش اسلامی بر دوششان است.*

تظاهرات در اسلو با خواست تعطیلی سفارت جمهوری اسلامی

مردم منجر شده است، سفارتخانه های جمهوری اسلامی در سراسر جهان را ببینید و به روابط سیاسی، دیپلماتیک و فرهنگی با این حکومت خاتمه دهید. جمهوری اسلامی ایران باید از نظر بین المللی منزوی و طرد گردد و از همه مراکز و نهادهای بین المللی اخراج گردد. مردم ایران با یک حکومت منزوی و طرد شده بهتر میتوانند تعیین تکلیف کنند و آن را از پای در آورند و خود را از شر آن خلاص کنند.

سفارت رژیم اسلامی در اسلوانه جاسوسی و ترور جانینان حاکم بر ایران است. به این تظاهرات بپیوندید.

تشکیلات خارج کشور حزب
کمونست کارگری ایران - نروژ
۲۶ سپتامبر ۲۰۱۲

سیاسی و ترویس اسلامی است و با دنبال کردن سیاست اتمی، به فضای جنگی دامن میزند. جمهوری اسلامی نه فقط کابوسی برای مردم ایران بلکه، معضلی برای کل بشریت است.

جمهوری اسلامی یک حکومت جانی و آدمکش است و دول غرب همواره با آن مماشات کرده و در پی دیالوگ و استحاله آن بوده اند.

امر بستن همه سفارتهای جمهوری اسلامی و بیرون انداختن آن از همه نهادهای بین المللی کار مبارزه و تلاش مردم ایران و جهان است. بستن سفارت جمهوری اسلامی در کانادا این فرصت را فراهم میآورد تا همه آزادیخواهان در همه جای جهان به میدان بیایند و فریاد بزنند بجای سیاست های مماشات با جمهوری اسلامی و تحریم های اقتصادی که به خانه خرابی و فقر بیشتر

شنبه ۲۹ سپتامبر ساعت ۲ تا ۳ و نیم بعد از ظهر، مقابل وزارت خارجه

ما همه مخالفان رژیم جهل و جنایت حاکم بر ایران و همه احزاب، سازمانها و نهادهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی را به شرکت فعال در این تظاهرات فرا میخوانیم.

جمهوری اسلامی ۳۳ سال است که حکومت ترور و نقض همه حقوق مردم ایران بوده است و زندگی روزانه مردم را به یک کابوس مبدل ساخته است. بیش از سه دهه است که بطور سیستماتیک به سرکوب مخالفین خود مشغول است و یک آپارتاید تمام عیار را علیه زنان اجرا کرده است. دهها هزار نفر را اعدام کرده و صدها نفر را در داخل و خارج کشور ترور کرده است. جمهوری اسلامی ستون فقرات جنبش فوق ارتجاعی اسلام

در اعتراض به حضور احمدی نژاد در نشست مجمع عمومی سازمان ملل



ترجمه فارسی نامه
شیوا محبوبی

است که از سوی مردم ایران و میلیونها نفر در سطح جهان مشروعیت ندارد. اگر هیئت در قدرت بود آیا به او اجازه داده میشد که تحت عنوان دیالوگ کردن با او در نشست سازمان ملل حضور یابد؟ چه دیالوگی با یک دیکتاتور که دستهایش به خون آلوده است میتواند وجود داشته باشد؟ رژیم اسلامی یک ماشین کشتار بوده که بیش از سه دهه است دست به کشتن انسانها زده است.

من از جانب هزاران زندانی سیاسی و خانواده هایشان دعوت سازمان ملل از احمدی نژاد برای شرکت در نشست سالانه را محکوم میکنم. رژیم اسلامی باید از تمامی مجامع بین المللی اخراج گردد. احمدی نژاد و سران رژیم باید دستگیر و به جرم ۳۳ سال جنایت علیه بشریت محاکمه شوند.

سازمان ملل به عمد مبارزه مردم ایران علیه رژیم که برای آزادی و برابری میباشد را مورد اغماض قرار داده است.

من از طرف کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران از تمامی آزادیخواهان دعوت میکنم که با ارسال نامه به بان کی مون، دبیرکل سازمان ملل به حضور احمدی نژاد در نشست عمومی سازمان ملل اعتراض نمایند.

شیوا محبوبی
سخنگوی کمیته مبارزه
برای آزادی زندانیان سیاسی
در ایران

تاریخ: ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۲
احمدی نژاد بار دیگر در نشست مجمع عمومی سازمان ملل شرکت میکند. احمدی نژاد در راس یکی از رسواترین و بیرحم ترین رژیمهای قرن ۲۱ قرار دارد. گزارشات فراوانی در رابطه با جزئیات جنایات رژیم علیه مردم ایران منتشر شده است؛ یکی از این گزارشات از سوی احمد شهید گزارشگر ویژه امور حقوق بشر سازمان ملل در مورد ایران تهیه شده است که رژیم به وی حتی اجازه ورود به ایران را نداده است.

احمدی نژاد و رژیمش دستور بودند، شکنجه و اعدام هزاران نفر از مردم ایران را داده اند. آیا این دلیل کافی برای اخراج رژیم از مجامع بین المللی نیست؟ به نظر میآید که از نظر سازمان ملل که احمدی نژاد و دارو دسته ردیل و جنایتکارش را دعوت کرده است این دلیل کافی نیست.

اجازه دادن به احمدی نژاد و همدستانانش برای حضور در نشست سازمان ملل و سایر نشستهای سازمانهای جهانی به معنی رسمیت دادن به رژیمی

در گرامیداشت یاد رفیق روزبه اسماعیلی (اسماعیل نظام آبادی)

خانواده او، به همسر و فرزندان، به مادر و پدر و خواهر و برادرانش تسلیت میگوئیم. یاد روزبه برای همیشه برای ما و همه کسانی که او را از نزدیک می شناختند گرامی خواهد ماند.

کمیته کلن حزب کمونست
کارگری ایران
۲۶ سپتامبر ۲۰۱۲

فعال سیاسی و یک چهره آشنا در میتینگها و تظاهراتهای علیه حکومت اسلامی در شهر کلن و همچنین یک فعال سیاسی علیه حکومت اسلامی ایران و از دوستان حزب کمونست کارگری بود. متأسفانه قلبش از حرکت باز ایستاد و تاسف و تأثر عمیقی را برای همه ما بجا گذاشت.

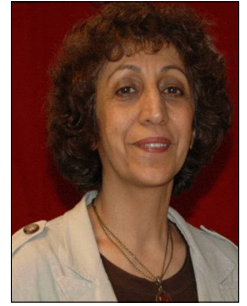
از طرف کمیته کلن حزب کمونست کارگری ایران درگذشت روزبه اسماعیلی عزیز را به



رفیق روزبه اسماعیلی در شهر کلن آلمان در روز سه شنبه ۲۵ سپتامبر درگذشت. او که یک

به حزب کمونست کارگری ایران بپیوندید!

کارگران علیه فقر و گرانی!



شلا دانشفر

از صفحه ۱

بحرانش به گرده جامعه، به اجرا گذاشته شدن "طرح هدفمند کردن یارانه ها" و تبعات هولناک آن بر زندگی و معیشت مردم، تقارن بحران اقتصادی رژیم اسلامی با بحران جهانی و در کنار همه اینها تحریمهای اقتصادی غرب و آمریکا، ابعاد فاجعه باری به فقر و فلاکت حاکم بر جامعه داده است. گرانی بیداد میکند، بیکاری بیداد میکند و این زندگی و معیشت کل مردم است که به تباهی میرود. چنین وضعیتی فاجعه باری جامعه را به حد انفجار رسانده است و امروز کارگران با این حرکت اعتراضی خود پرچم اعتراض کل جامعه را بدست گرفته اند.

طومار اعتراضی ۲۰ هزار کارگر کیفرخواست کارگران علیه این وضعیت جهانی و علیه فقر و فلاکت است. صدای اعتراض کل جامعه به طرحهای ریاضت اقتصادی حکومت تحت عنوان "هدفمند کردن یارانه ها" و علیه تهاجمات هر روزه آن به زندگی و معیشت مردم است. به این طومار و به این جنبش عظیم اجتماعی باید وسیعاً پیوست.

بنا بر گزارش مندرج شده در سایت اتحاد اولین مرحله این طومار در ۲۷ خرداد ماه سالجاری با ده هزار امضا تحویل وزارت کار گردید. اما

بدلیل مضمون اجتماعی خواستههایش، بدلیل اینکه بطور واقعی بر روی درد دل کل جامعه دست گذاشته است امروز در چنین سطح وسیع و بیسابقه ای انعکاس خبری پیدا کرده است. از جمله خبر این اقدام کارگران تا کنون در دهها روزنامه و خبرگزاری و سایتهای مختلف داخل کشوری از روزنامه جمهوری اسلامی گرفته تا ایلنا و ایسنا و غیره انتشار یافته و حتی بحث به سطح نمایندگان مجلس اسلامی کشیده شده است. دارند از دستور گذاشتن افزایش دستمزدها در نیمه دوم سال سخن میگویند. این اتفاق بیسابقه ایست که اعتراضی کارگری چنین لولبه ای در درون حکومت ایجاد کند و همه اینها نشان از جایگاه اجتماعی و سیاسی مهم این اقدام کارگران دارد.

همانطور که اشاره کردم افزایش سرسام آور و هر روزه قیمت ها، گرانی اجناس و فقر و فلاکت هر روز بیشتر، درد همه مردم است. دو ماه قبل مردم نیشابور در اعتراض به همین وضعیت به خیابانها ریختند و با شعار ننگ بر گرانی جرقه ای از یک انفجار اجتماعی بودند. یکماه قبل با فراخوان به اعتراض علیه فقر و گرانی اولتیماتوم خود را به حکومت اعلام داشتند. اکنون هزاران کارگران از مراکز مختلف کارگری با طومار اعتراضی خود در اعتراض به همین

از آنجا که هیچ عکس العملی در قبال آن صورت نگرفت این حرکت ادامه یافت و اکنون هماهنگ کنندگان این طومار طی نامه اعلام کرده اند که در صورت عدم توجه وزارت تعاون و کار و رفاه اجتماعی جمهوری اسلامی به خواستها و به زندگی و معیشت میلیونها کارگر که در زیر چرخهای تورم و گرانی های سرسام آور موجود در حال نابودی است، کارگران نظاره گر به تباهی کشیده شدن هستی و بقا خود نخواهند شد و اعتراضات خود را نسبت به ادامه وضعیت حاضر تشدید خواهند کرد. بنا به این گزارش این طومار توسط کارگران استانهای تهران، کردستان، مازندران، آذربایجان شرقی، مرکزی، یزد، خوزستان و از کارگران کارخانه هایی همچون شرکت بسته بندی ایران، کیان تایر، چینی ارس، داروسازی دانا، رانندگان شرکت واحد، نورد پروفیل ساوه، شرکت آونگان، شرکت صنایع اراک، فولاد گزین، کارگران راه آهن، کارگران ساختمانی، موتور سازان، کبریت سازی تبریز، کارگران معدن کوشک و چندین کارخانه دیگر جمع آوری شده است.

بدین ترتیب این طومار یک جنبش اعتراضی سازمان یافته است که تا کنون توانسته است کارگران معترض را در سطح هشت استان کشور حول خواست افزایش دستمزد متحد کند. حرکتی که ادامه دارد و

تورم و گرانی حاکم بر جامعه خواستار افزایش حداقل دستمزد ها در شش ماه دوم سال جاری شده اند.

پیروین محمدی یکی از هماهنگ کنندگان این طومار در گفتگویی با ایلنا از این سخن میگوید که اگر برای آنان امکانات کافی وجود داشت و محدودیتی نبود، این امضاها میلیونی میشد. پیروین محمدی درست میگوید. طومار اعتراضی هزاران کارگری که زیرش را امضا کرده اند و خواستههای مطرح شده در آن حرف دل همه کارگران، معلمان، پرستاران و کل جامعه است.

تهاجم هر روزه رژیم اسلامی به زندگی و معیشت مردم و انداختن بار

معلمان سقز با شروع مدارس دست به اعتصاب و تجمع زدند

معلمان مدارس شهر سقز از روز اول مهرماه در مقابل تصمیم آموزش و پرورش به اخراج همکارانشان دست به اعتصاب و تجمع اعتراضی زدند و خواهان لغو تصمیم آموزش و پرورش و بازگشت فوری همکاران خود شدند.

روز شنبه اول مهر معلمان سقز همین که متوجه اخراج همکاران خود ابوبکر نوری، حسین عبدلی پور، حبیب فرزام نیا و تبعید سه ساله محمد جمال هبکی به استان یزد شدند، بلافاصله دست به اعتصاب

سقز درود می فرستد و از اعتصاب و اعتراض آنها در حمایت از همکاران شان قاطعانه حمایت می کند. حزب از همه معلمان سقز میخواهد که همچنان متحد و یکپارچه بر خواست خود برای لغو احکام اداره آموزش و پرورش این شهر ایستادگی کنند. حزب از کلیه دانش آموزان و خانواده های آنها و کلیه مردم شریف سقز میخواهد که فعالانه از مبارزه معلمان و خواست آنها حمایت کنند و اداره آموزش و پرورش و رئیس مزدور را سر جای خود بنشانند.

روزی که مردم مبارز این شهر حساب این مزدوران را کف دستشان بگذارند دور نیست.

با شروع مدارس معلمان سقز شیپور اعتصاب را به صدا درآوردند. این اعتراض باید مورد پشتیبانی معلمان و همه مردم در شهرهای کردستان و در سراسر کشور قرار گیرد. دستگیری و اخراج و تبعید معلمان باید متوقف شود و همه احکام صادره فوراً ملغی گردد. معلمان پیمانی باید به استخدام رسمی درآیند، حقوق ها باید

افزایش یابد، دست آخوند و مذهب از مدارس کوتاه شود و آموزش کاملاً رایگان شود.

اینها بخشی از خواست های معلمان، دانش آموزان و خانواده های آنها است که با نیروی متحد همه آنها قابل تحقق است.

پیش به سوی اعتصاب عمومی معلمان

کمیته کردستان حزب کمونیست

کارگری ایران

۲۶ سپتامبر ۲۰۱۲

۵ مهر ۱۳۹۱

ادامه اعتراضات در یونان و اسپانیا!



شهاب بهرامی

قصد دارند تا سال ۲۰۱۴ یکصد و دو میلیارد یورو در هزینه‌ها را صرف جویی کنند. روز سه شنبه اعلام شد که کسری بودجه دولت اسپانیا روز به روز بیشتر شده و طی هشت ماه اول سال، دولت این کشور بالغ بر پنجاه میلیارد یورو کسری بوده‌است. منتقدان دولت اسپانیا معتقدند که ادامه و تشدید این سیاستها باعث وخامت اقتصادی بیشتر شده و کشور را می‌تواند به فلج کامل سوق دهد.

اما یونان هم این روزها مانند اسپانیا حال خوشی ندارد. بنظر می‌رسد که این دو کشور "پاشنه آشیل" اقتصاد حوزه یورو شده و خدایان "المپ" و "وال استریت" و "بروکسل" را هم از خود نومید و سرگردان کرده‌اند. روز چهارشنبه این هفته، یعنی یک روز بعد از اعتراضات وسیع و

عمومی اسپانیا و زدو خوردهای شدید در مادرید، کابوس اعتصاب عمومی در یونان و تظاهرات پنجاه هزارنفره در شهر آتن، بار دیگر به حاکمین آتن و بروکسل پیام داد که مردم و کارگران این کشور تسلیم نشده و مبارزاتشان را تا رسیدن و تحقق خواسته‌هایشان ادامه خواهد داد.

روز چهارشنبه به دنبال فراخوان اتحادیه‌های کاری برای اعتصاب عمومی و در اعتراض به سیاست صرفه جویی و به فقر کشاندن بیشتر مردم زحمتکش یونان، بیش از پنجاه هزار نفر در شهر آتن دست به راهپیمایی اعتراضی زدند. طیف متنوعی از اقشار مختلف مردم از کارگران و کارمندان تا پزشکان و کارکنان برج مراقبت در این اعتصاب شرکت کرده‌اند. بسیاری از فروشگاه‌ها و بوتیک و

مغازه‌های شهر همچنین بسیاری از ادارات دولتی تعطیل و به این اعتصاب پیوسته‌اند.

وزیر دارائی و نخست وزیر این کشور با کاهش دستمزدها و کم کردن حقوق بازنشستگان و جراحی چند باره خدمات عمومی موافقت کرده و قرار است دوازده میلیارد یورو از این طریق صرفه جویی شود. این در حالی است که بیش از یک سوم مردم زیر خط فقر زندگی می‌کنند و درصد بیکاری از مرز بیست و هفت گذشته است. اگر این طرح دولت هم مورد قبول "تروییکا" (بانک مرکزی اتحادیه اروپا، کمیسیون اتحادیه و صندوق بین المللی پول) قرار نگیرد، این دولت از گرفتن وام سی و یک میلیاردی تروییکا محروم خواهد شد و کشور یونان ورشکسته شده و عملاً از اتحایه اروپا بیرون خواهد رفت.

بحران اقتصادی اروپا و تحمیل فقر و فلاکت و بیکاری سی میلیونی، میوه تلخ رویاهائی

است که طراحان و تئوری پردازان "دکترین جهانی شدن اقتصاد" و تجارت جهانی آزاد برای غارت مردم زحمتکش جهان ترسیم کرده بودند، رویائی که امروز کابوسی برای آنان شده است. بحران مالی سال ۲۰۰۷ در آمریکا و جهان و ورشکستگی بانک بزرگ "لمان برادرز" شروع این کابوس شد که به سرعت دامن اروپا را گرفت. یونان و اسپانیا اولین قربانیان این موج بودند. فرانسه، ایتالیا، پرتغال و ایرلند در نوبت بعدی قرار دارند. ته‌صف را کدام کشور پر خواهد کرد؟ آیا اروپا امیدی به پایان این بحران دارد؟ آیا مردم و کارگران باز هم تسلیم خواهند شد؟ از پیش چیزی معلوم نیست جز اینکه اینبار شکست دادن این جنبش عظیم جهانی برای دنیائی شایسته، آسان نخواهد بود و "کارگران در این میان چیزی از دست نخواهند داد مگر زنجیرهایشان را". *



ایستادگی تظاهرکنندگان در مقابل حمله پلیس در راهپیمائی بزرگ اعتراضی در میدان نپتون در مادرید

تظاهرات و اعتراضات ضد دولتی در اسپانیا در هفته‌های اخیر، سرانجام به درگیری‌های شدیدی در روز سه شنبه گذشته انجامید. در زد و خورد و درگیری‌های مردم با پلیس این کشور فقط در شهر مادرید بیش از شصت نفر زخمی شدند. پلیس با باتوم، گلوله‌های پلاستیکی و گاز اشک‌آور به تظاهرکنندگان حمله کرده و ده‌ها نفر از معترضین را بازداشت نمود. بنا به گزارش رسانه‌های اسپانیا، ساعت هفت بعد از ظهر سه شنبه هزاران نفر از معترضین به تشدید سیاستهای ریاضت اقتصادی به طرف پارلمان این کشور برآه افتاده که با سد پلیس ضد شورش مواجه گشته و درگیری شدیدی بین طرفین روی داد، بنا به گفته مقامات رسمی، بیش از ۱۳۰۰ پلیس ویژه، حفاظت ساختمان پارلمان را بعهده داشتند. بعد از درگیری‌های مادرید، دولت پرتغال نیز از ترس شورش‌های مشابه، طرح افزایش مالیات‌ها را پس گرفت.

دولت محافظه کار "ماریانو راخوی" قصد دارد در اواخر این ماه طرح بودجه سال ۲۰۱۳ این کشور را به تصویب برساند، با تصویب این طرح بیش از سی و دو میلیارد یوروی دیگر قرار است از خدمات عمومی و دستمزدهای حقوق بگیران کسر شود. نخست وزیر و دولت متبوعش همچنین

کشمکش بین کارگران اعتصابی معادن آفریقای جنوبی و رژیم آپارتاید دارد



فاضل نادری

روز پنجشنبه بیستم سپتامبر ۲۰۱۲ کارگران اعتصابی در معدن Marikana پس از ۳۵ روز اعتصاب به سر کارشان برگشتند. اعتصابی که با کشته شدن ۳۴ نفر، زخمی شدن حدود ۷۰ نفر و دستگیری متجاوزان ۲۷۰ نفر به پایان رسید و توانست بخش کوچکی از خواسته های کارگران را بدست آورد. پس از کشمکش های طولانی مدت، حقوق کارگران ۲۲ درصد افزایش یافت ولی کارگران به این مقدار افزایش حقوق راضی نیستند. آنها بویژه میگویند حق همکاران بخون خفته ما پایمال گردیده و باید به آنها ادای احترام شود. یکی از نمایندگان کمیته دفاع از همبستگی کارگران Marikana میگوید، دفاع از حقوق آنها وظیفه ما و جامعه است که ثابت شود دموکراسی در این جامعه رعایت میشود، در غیر اینصورت جامعه درساشیبی سقوط است. همانطور که گزارشات خبری و تصویری منتشر شده از طرف رسانه های آفریقای جنوبی و خبرگزاریهای بین المللی بدفوعات متعدد پخش شده است، ۳۴ نفر از اعتصابیون در همان دقایق اول اعتصاب در اثر تیراندازی پلیس

جنایتکار کشته شده و در خون خود درغلطیدند. در تصاویر منتشر شده بخوبی میتوان دید که اطراف منطقه اعتصاب، با سیم خاردار مسدود گردیده و زره پوش های پلیس در همان جا مستقر شده بودند. برای متفرق کردن اعتصابیون، پلیس شروع به پخش گاز اشک آور و همزمان تیر اندازی میکند. اعتصابیون برای جلوگیری از کشته شدن در زیر رگبار گلوله های پلیس، سعی میکنند در صورت امکان از تیررس فرار کرده و یا حتی الامکان خودشان را مخفی کنند تا کشته نشوند، ولی با این وجود ۳۴ نفر از کارگران در این اعتصاب بقتل رسیدند. در گزارشات تحقیقی که درباره حمله پلیس منتشر شده، آمده است که برخی مقتولین تا ۳۰۰ متر از محل تیراندازی پلیس فاصله داشته اند و حتی تعدادی از آنها از پشت سر مورد هدف قرار گرفته و به قتل رسیده اند.

پس از دستگیری کارگران اعتصابی، دادستانی ومقامات دولتی شایع کردند که کارگران دستگیر شده بجرم کشتار همکارانشان باید محاکمه شوند. این اتهام وقیح وگستاخانه مقامات دولت، منجر به اعتراضات وسیع و روز افزون در میان کارگران معادن و سایر کارگران، اتحادیه های سراسر آفریقای جنوبی و نیز اتحادیه ها و نهادهای بین المللی شد. دادستانی مجبور شد نه تنها حرف خود را پس بگیرد، بلکه دستگیر شدگان را نیز آزاد کند. واکنش ها به این جنایت بزرگ که ابتدائی ترین حقوق کارگران را هدف قرار داده و

تیراندازی از طرف پلیس، مورد بازخواست قرار خواهند گرفت ولی پاسخ آنها هم اکنون روشن است. آنها خواهند گفت "مأمور و معذور بودند" و دستور از بالا را اجرا کرده اند. وی اضافه میکند: "مسئولین بالا بویژه از رهبری شرکت لونمین (Lonmin) که یکی از مسببین اصلی این اتفاقات هستند، کسی بازخواست نخواهد شد"، زیرا ما این تجربه را داریم که رهبران وسیاستمداران از ما بهتراند" و هرگز تحت پیگرد قانونی قرار نمیگیرند و یا در صورت مواجهه با شرایط و وضعیتی خاص واستثنائی، جرائم و محکومیت های جدی و سخت گریبانشان را نمیگیرند.

بعد از اعتصابات اخیر و متعاقب آن کشتار و قتل عام تعدادی از کارگران و دستگیری بسیاری از آنها، افشاگرهای زیادی از روش کار و عملکرد نهادهای مقامات دولتی بویژه سرکوبگرهای پلیس انتشار یافت. گزارشات منتشر شده بیان می کند که بعد از فروپاشی رژیم آپارتاید، نه تنها کارگران معادن بلکه کارگران سایر مناطق کشور در بدترین شرایط زندگی قرار داشته و دارند و از حداقل مایحتاج زندگی ومعیشتی برخوردار میباشند. پرواضح است که مسبب اصلی چنین فقر وفلاکت، رژیم جلد عوض کرده حافظ و مدافع سرمایه داری است که تظاهر به دفاع از حقوق کارگران و منافع مردم فقیر می کند ولی در عمل رژیم آپارتاید هنوز پابرجا است و حاکم است.

این رژیم سعی میکنند مانع افشاگرها شده و اجازه ندهد بیشتر از اینها ماهیت ارتجاعی آن عریان شود. از طرف دیگر و مهمتر از هر چیز، ادامه اعتصابات گسترده و فزاینده، جلو رشد تولید سود

بیشتر و منافع سرمایه داران را میگیرد و شریان اقتصادی دولت حافظ سرمایه داری را، فشرده و منقبض کرده است. تحت تأثیر اعتصابات چند هفته اخیر، ارزش پولی آفریقای جنوبی حدود چهار درصد سیر نزولی داشته است. به همین دلیل باید جلو اعتصابات را گرفت و به اعتراضات پایان داد. مقامات دست اندرکار دولتی، کارفرمایان معادن وشركای آنها، بطور اخص جف رادب Jeff Radebe وزیر دادگستری کشور آفریقای جنوبی بصراحت اعلام کرده اند که: "ادامه این وضعیت و تداوم اعتصابات غیر قابل قبول بوده و ما این شرایط را تحمل نخواهیم کرد". آنچه جناب وزیر را نگران کرده وحشت از خشم کارگران است که اوضاع را حتی به بدتر از اینها هم خواهد کشاند.

در اعتصابی که حدود دوهفته پیش در بزرگترین تولید کننده پلاتین جهان در آفریقای جنوبی تحت مالکیت شرکت Anglo American Platinum رخ داد، دو کارگر اعتصابی توسط پلیس بقتل رسیدند. در آنجا هم پلیس وحشی قبل از شروع به تیراندازی، با پخش گاز اشک آور امکان انجام واکنش و یا هر گونه عکس العمل را از اعتصابیون سلب کرد. در یکی اعتصابات اخیر کارگران مهمترین معادن طلای آفریقای جنوبی در Anglo Gold Ashantis Kopanang نیز پلیس بهمان شیوه های خشونت بار، اعتصاب را سرکوب میکند.

یورش پلیس به کارگران همچنان ادامه دارد. خانم Pauline Masutle یکی از اعضای ANC به همراه تعدادی از همکاران خود برای دیدار و

ادامه صفحه ۱۲

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

به این عکس نگاه کنید ! زنده باد مردمی که به این جنایتکار اسلامی گوشه کوچکی از خشم مردم ایران را نشان دادند



مردم خشمگین به محض روپرو شدن با مهمانپرست به او حمله کرده و به صورتش تف کردند! این فقط گوشه کوچکی از نفرت عظیمی است که در ایران علیه جانپان اسلامی انبار شده است!

رامین مهمانپرست را همه جا در کنفرانسهای مطبوعاتی با قیافه حق بجانب و در حال دروغ گویی های اسلامی و خم به ابرو نیاوردن، دیده اید. به این عکس نگاه کنید. در مرکز شهر نیویورک و در حالیکه تعدادی از مردم معترض در مقابل سازمان ملل او را شناسایی کرده اند، دنبالش کرده و علیه حکومت و جنایتکاران

اسلامی شعار داده و به صورتش در مقابل چشم رسانه ها و حاضرین تف کردند و بخشی از نفرت و خشم مردم ایران علیه این حکومت و علیه مشتی جانی و جلا و دزد و قاتل و قبیح را اعلام کردند. در اطراف ساختمان سازمان ملل، البته صحنه های دیگری از دنبال کردن دیگر مزدوران حکومت اسلامی از سوی مردم و بویژه زنان شجاع حاضر در محل را میتوان در رسانه ها و سایتها دید.

فقط برای سفر "تمتع شان" به نیویورک همه ایل و تبار دولتی را با اقوام و فامیل دور و نزدیک جمع کرده و میلیاردها تومان پول خرج کرده و در مجلل ترین هتلها اطراق

کرده اند. در حالیکه در ایران کارگران زیر خط مطلق فقر زندگی میکنند و زلزله زدگان در آذربایجان از سرما بخود میلرزند و چادرهایشان در مقابل باد و باران مقاومت ندارد. سر دسته این اراذل و اوباش راهی شده به نیویورک احمدی نژاد است. او که بعنوان یک دیکتاتور کوچک و مسخره در رسانه ها از او نام برده میشود، در سازمان ملل در کمال وقاحت از نجات دنیا و ظهور قریب الوقوع امام زمان اشان حرف میزند. اگر احمدی نژاد جرات کند در همان خیابانهای نیویورک علنی شود، بدتر از اینها را تجربه خواهد کرد که سخنگوی وزارت خارجه اش دید و از ترس بر خود لرزید.

به همین عکس وحشت زده مهمانپرست در نیویورک، اگر خامنه ای و اعوان و انصار حکومت اسلامی، خیل آخوندهای از گور برخاسته و جنایتکار اسلامی، رفسنجانی و محسن رضایی و خاتمی و همه دست اندرکاران حکومت اسلامی نگاه کنند، فقط گوشه کوچکی از نفرت تلنبار شده

در جامعه را علیه خودشان خواهند دید!

این فقط گوشه بسیار کوچکی از خشم مردم علیه حکومت کثیف و انسان کش شما و دم و دستگاه اسلامی اتان است که به اسم قران و خدا و پیغمبر، کشتید و جنایت کردید و چپیدید و دزدیدید و در کمال وقاحت همه این دنائت و رذالت اسلامی را به عنوان عمل صواب و کار نیکو و خودتان را بعنوان صاحب کلید بهشت به افکار عمومی فروختید. حکومتی که در پرونده سیاهش اعدام و سنگسار و قتل هزاران نفر ثبت شد و بدین طریق میلیونها خانواده را داغدار کردید، هزاران نفر را در زندانها محبوس کردید و یک جامعه را به آستانه نابودی کامل کشانیدید.

غافل نباشید از این امر که در آن جامعه نه فقط علیه حکومت و تکتاک شما دست اندرکاران در طول سی و سه سال حکومت اسلامی، نفرت فشرده شده، بلکه علیه قران و اسلام و خدا و پیغمبرتان نیز نفرت عظیمی در آن جامعه تلنبار شده، نفرتی که باعث میشود زندانی

سیاسی از جایی که شما اسپرش کرده اید، از زندان پیام داده و از اسلام براثت کند و اعلام کند که من دیگر مسلمان نیستم. جنبش براثت از اسلام يك جنبش قوی در آن جامعه است کافی است گوشهائیتان را به زمین بچسبانید. جنبشی که در سطح جوانان در ایران و در کل جامعه ایران به شدت در حال گسترش است.

با رفتن شما و با سرنگونی حکومت شما، بساط خرافات و آخوند و تن پروری و پلیدی و دزدی و غارت دستگاه مذهب و اسلام را باید از ایران جارو کرد و مردم ایران را کمک کرد که بدون خرافات و بدون دخالت اسلام و مذهب در زندگیشان، نفس راحتی بکشند.

مرك بر حکومت اسلامی زنده باد جنبش انقلابی مردم علیه این حکومت جنایت و رذالت اسلامی

درود به مردمی که در نیویورک، صدای اعتراض میلیونها نفر مردم ایران را به گوش دنیا رساندند.

مینا احدی

۲۷ سپتامبر ۲۰۱۲

در آستانه ده اکتبر روز جهانی علیه اعدام، راهپیمایی سه روزه مردم شهر خلفیه در نزدیکی اهواز به احکام اعدام پنج فعال سیاسی

کمیته بین المللی علیه اعدام
۲۶ سپتامبر ۲۰۱۲

Mina Ahadi
International Committee
against Execution
International Committee
against Stoning
minnaahadi@gmail.com

Tel: 0049 (0) 1775692413
<http://notonemoreexecution.org>
<http://stopstoningnow.com/wpress/>

کنند و ثانیاً برای لغو احکام اعدام علیه این پنج جوان متحدهانه به پا خاسته و اعتراض کنند. ما باید در سراسر جهان در دفاع از این اعتراضات مردمی و برای لغو احکام اعدام این پنج جوان میتینگ و تظاهرات اعتراضی سازمان داده و جان این پنج نفر را نجات دهیم. ما نباید بگذاریم رژیم جنایتکار اسلامی این پنج نفر را اعدام کند.

این پنج نفر به اتهام محاربه با خدا به اعدام محکوم شده اند. به احکام اعدام این پنج جوان از سوی نهادهای متعدد مخالف اعدام، اعتراض شده است. به مردم مبارز شهر خلفیه برای انجام این حرکت اعتراضی مهم درود میفرستیم و از همگان دعوت میکنیم که در آستانه روز جهانی علیه اعدام اولاً اخبار این اعتراضات را وسیعاً منعکس

احکام اعدام پنج نفر به اسمی محمد علی عموری، هاشم شعبانی، هادی راشدی، سید جابر آلبوشوکه و سید مختار آلبوشوکه اعتراض کردند.

محمد علی عموری ویلاک نویس، هاشم شعبانی دبیر ادبیات عرب، هادی راشدی دبیر شیمی، سید جابر آلبوشوکه و برادر او سید مختار آلبوشوکه به دلیل فعالیتهای فرهنگی دستگیر و همه



مردم شهر خلفیه "خلف آباد" در ۹۰ کیلومتری جنوب شرقی اهواز در روزهای یکشنبه و دوشنبه و سه شنبه این هفته یعنی ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ سپتامبر به خیابان رفته و با انجام يك راهپیمایی بر علیه

کشمکش بین کارگران اعتصابی معادن آفریقای جنوبی و رژیم آپارتاید ادامه دارد

از صفحه ۱۰

نشده بلکه در پوست و جلد دیگری ولی با همان ماهیت، حکومت میکند. ماهیت این رژیم و حکومت ضد کارگری و سرمایه داری را باید هرچی بیشتر افشا کرد. در مورد مسائل و اتفاقات جاری در اعتصابات و اعتراضات

تهیدست کاشته شده و به غده هایی بدل شده که هر لحظه آماده انفجار هستند. این انفجارات می رود که سراسر آفریقای جنوبی را فرا گیرد و تمام چرخها را در این کشور متوقف سازد. این هنوز اول کار در آفریقای جنوبی است.

این آلونکها و حلبی آبادها، بمنزله عامل حوادث و نا آرامیها در محاصره سیم خاردار و تانکها و زره پوشهای ارتش و پلیس فاشیست و نژادپرست قرار دارد و هلیکوپترها در اطراف آنها درحال قدرتنمایی میباشند. سیم

تحقیقات و بررسیهای یک گروه معروف جامعه شناس در یک گردهمایی گفته است که ناآرامیهای بوجود آمده در خلال اعتصابات معادن منتج از بی حقوقیها، نابرابریهای اجتماعی، اختلاف فاحش سطح زندگی کارگران و مردم تهیدست جامعه در طول مدت طولانی از یکطرف و رفتار خشونتبار و اعمال زور روز افزون پلیس سرکوبگر، از طرف دیگر عامل اصلی بوجود آورنده این کشمکش ها است.

پرفسور Ari Sitas استاد دانشگاه Cape Town میگوید، باره های اعتصابات اخیر، موارد پنهانی از مواج خفته در درون و نهاد انسانهای محروم و جامعه بود که بصورت سونامی و توفانهای طغیان کرد و جامعه را از ضمیر خود آگاه نمود.

جالب توجه اینکه در اخبار منتشر شده از طرف محققین و صاحب نظران عمدتاً چنین نتیجه گیری میکنند که این تضادها و تناقضات در بطن جامعه وجود داشته و اینجا و آنجا بنحوی خود را نشان داده است. لیکن بروز آشکار آن در اعتصابات اخیر، نقطه عطفی در روند جامعه آستان انفجار را نشان میدهد که چه سیستمی در جامعه حاکم است و چگونه عمل میکند. آنها متعجب نمی شوند که چنین غلیبانهایی بشابه طوفانهای اجتناب ناپذیر سر باز کرده و جامعه را متوجه خود میکند. اما تعجب می کنند که مقامات دولتی و پلیس حافظ نظم حاکم، علت و علل را در حلبی آبادها و آلونک های محقر و بیبوتته های فاقد کوچکترین ارزش حیات زندگی انسانهای محروم و بی بضاعت جستجو میکنند. امروز

دلجویی از خانواده های مقتولین به یکی از حلبی آباد ها می رود. در این هنگام پلیس گشت به محل توقف آنها تیراندازی کرده، در نتیجه این خانم کشته شده و تعدادی مجروح میشوند. بعد از اعتصابات اخیر، پلیس شروع به خانه گردی در خانه (حلبی آبادها و آلونکها) های کارگران کرده و شروع به جمع آوری "تسلیمات" (ابزاری نظیر چوبدستی و چاقو) کرده است. داشتن این وسایل دفاعی ابتدایی بعنوان سلاحهای خطرناک و غیر قابل مجاز تلقی شده و دارندگان آنها متهم به استفاده از سلاح متهم شده اند. در این خانه گردیها، تعدادی از کارگران دستگیر شده اند. یک فعال کمیته دفاع از همبستگی کارگران معادن میگوید، ما باید به تعرضات گستاخانه پلیس پایان بدهیم. پلیس فاشیست عرصه را در هر زمینه ها برای ما تنگ کرده است. تجمع حتی چند نفر در محل و در اطراف آلونک ها غیر قانونی اعلام شده، محوطه زندگی کارگران مثل منطقه حکومت نظامی اعلام شده است و پلیس اجازه تعرض و متفرق کردن آنها را دارد.

شواهد آشکار متعدد و غیر قابل انکار حاکی از آنست که در وضع کارگران اعتصابی و قشر تهیدست جامعه، بعد از "برکناری" آپارتاید، بهبودی حاصل نگردیده و وضعیت زیستی، معیشتی، بی حقوقی، فقدان مدارس برای بچه های آنها، بهمان منوال سابق برقرار است.

رئیس Michael Burawoy



محل تجمع و زندگی کارگران معدن لون مین در طول تمام شبانه روز تحت کنترل نیروهای تا دندان مسلح پلیس قرار دارد

جنبش کارگری معادن آفریقای جنوبی، مطلب زیادی در سایتهای اینترنتی بزبانهای مختلف نوشته شده و قابل دسترسی هستند. این مسائل را برای حمایت از مبارزات کارگران آفریقای جنوبی، برای افشای جنایات سرمایه داری و حکومت مدافع آن و بعنوان تجربیات ارزنده ای برای سایر کارگران باید انتشار و در دسترس همگان قرار داد.*

جنبش کارگری در حال اوج گرفتن است، آنچه که سرنوشت این جنبش را نامعلوم و بدون چشم انداز می کند، فقدان یک حزب کمونیست و رادیکال است که رهبری این جنبش را بتواند بدست بگیرد و جنبش ضد سرمایه داری کارگران را در آفریقای جنوبی به پیش برد. با توجه به فاکتورهای برشمرده در بالا، بجرأت میتوان گفت که آپارتاید در آفریقای جنوبی برچیده

خاردارها در اطراف زندگی این انسانهای محروم و تانکها و زره پوشهای جنگی مستقر در فضای زندگی آنها امری عادی است. پلیس تا به دندان مسلح که در یک سال اخیر دهها نفر از کارگران را بقتل رسانده و فضای ناامن ارباب و وحشت بوجود آورده است، در کنج خانه های کارگران در جستجوی "تسلیمات" است تا آنها را بجرم خرابکاری و بوجود آوردن نا امنی بزدان انداخته و محاکمه شان کنند!

وضعیت فلاکتبار کارگران آفریقای جنوبی سالها است که ادامه داشته و جزئی از زندگی فلاکت بار این انسانهای دربند است که ما شاهد آن هستیم. تخم این رویدادها، زره زره در اعماق دل وجود این کارگران و مردم

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!